

علم أصول الفقه

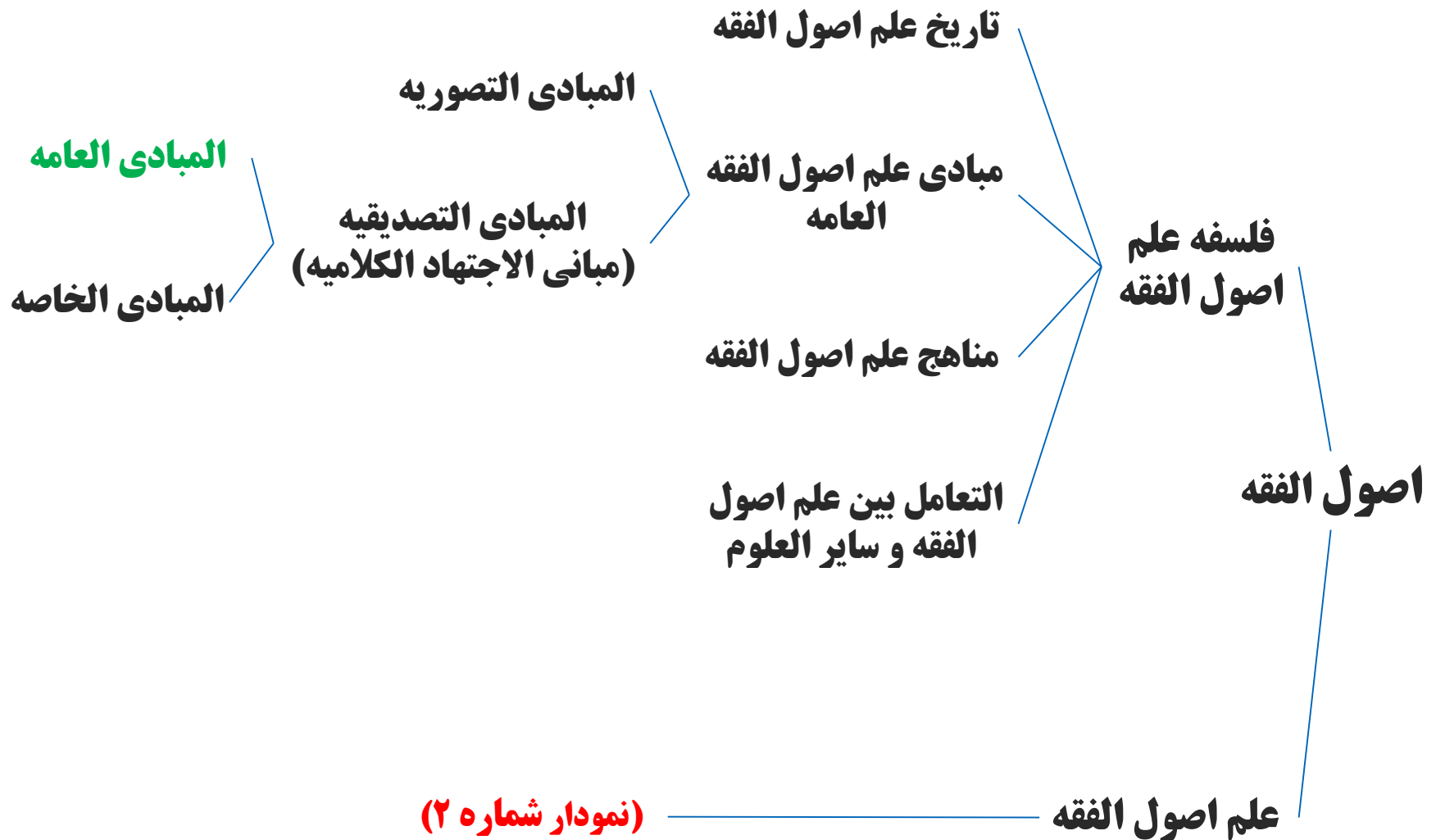
١٤ - ٧ - ١٤٠٥ القسم الثاني: الحجة

٧

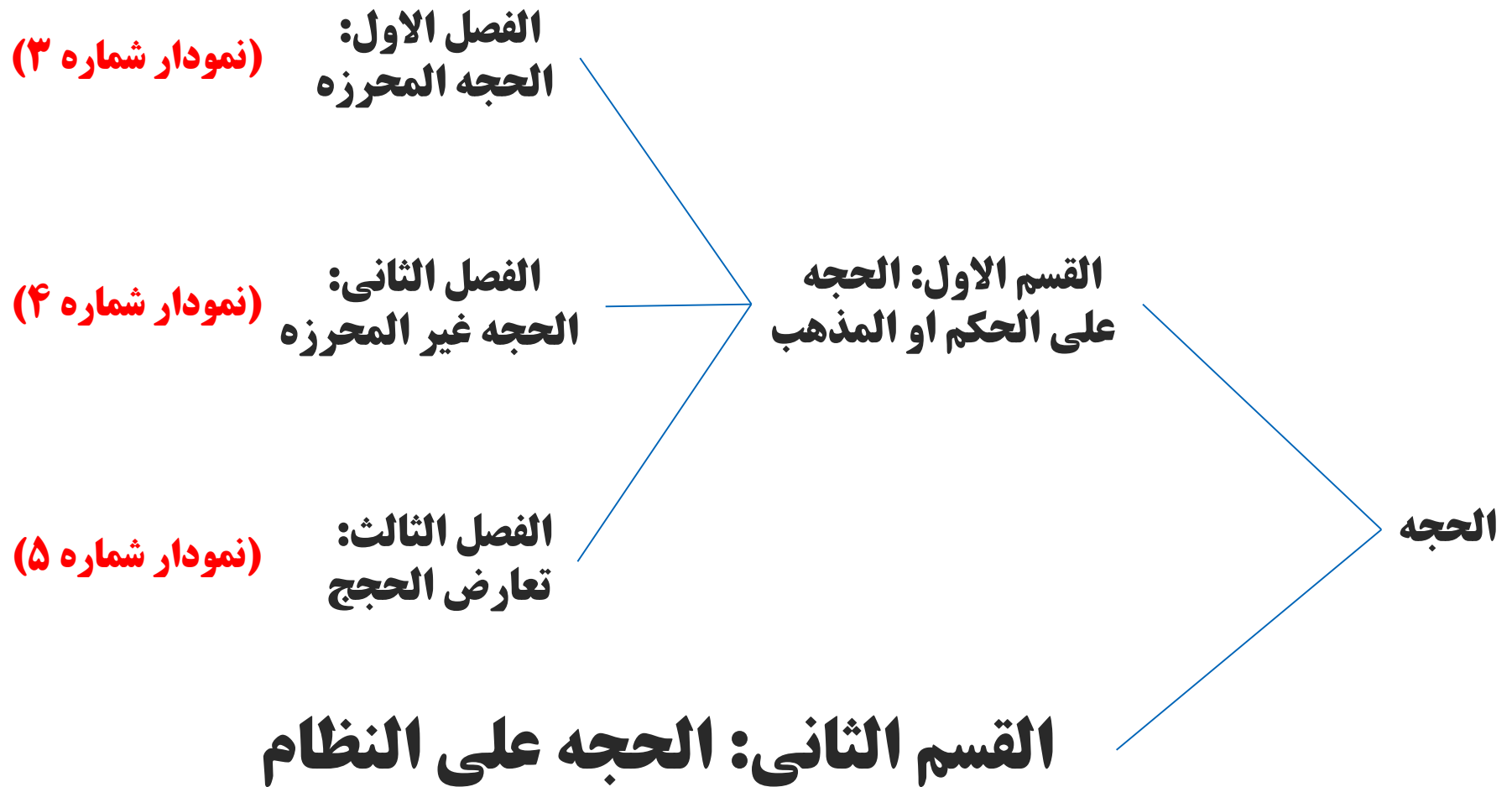
على النظام

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)



(نمودار شماره ۲)



أ. ثبات و تغییر در دین

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

ج. جمع بین حکم ظاهری و واقعی

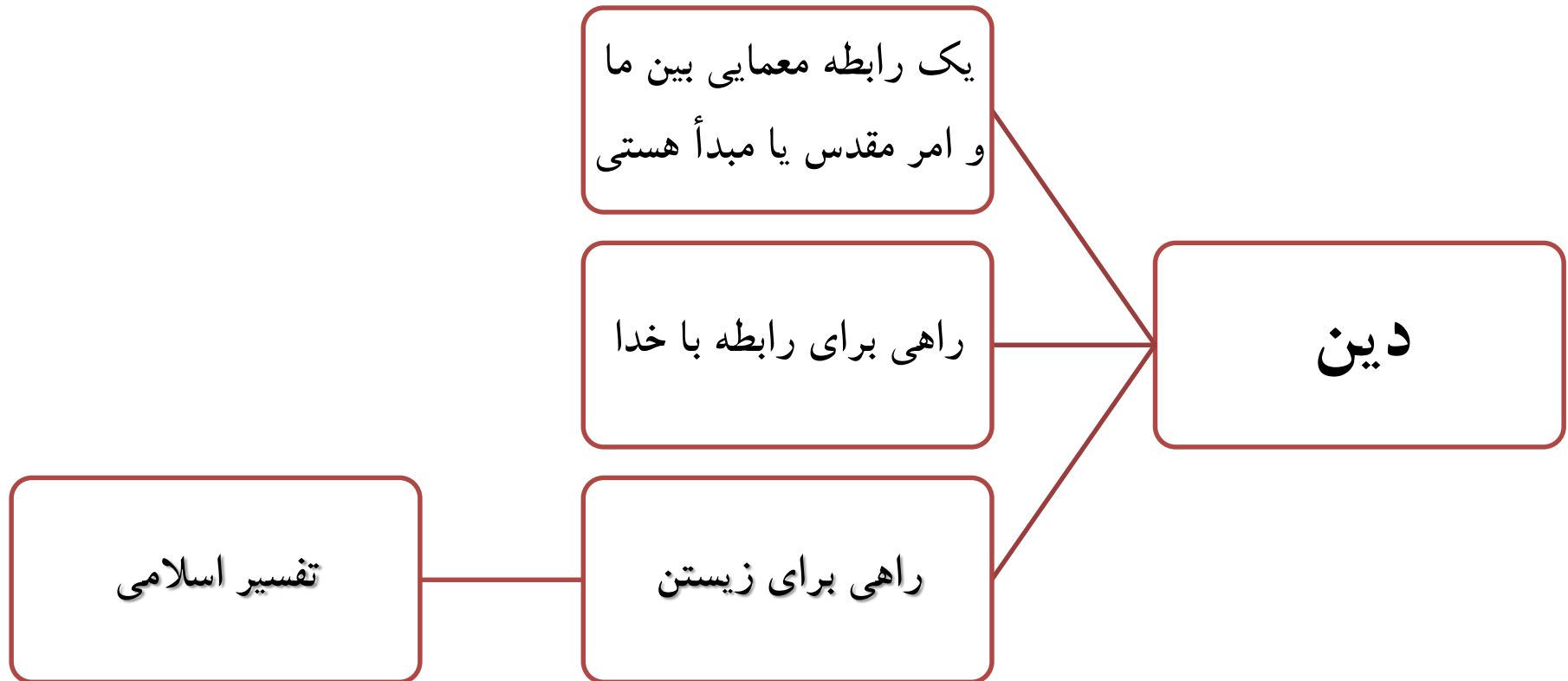
د. اجزاء

هـ. شرطیت قدرت در تکلیف

مبادی مشترک
تصدیقی

تلقى ما از دين چيست؟

دین چیست؟



دين
چیست؟

مبدأ

مسیر = دين

منتهی

تلقى ما از دین

دین
چیست؟

وَمَا خَلَقْتُ
الْجِنَّ وَالْإِنْسَ
إِلَّا لِيَعْبُدُونِ
(ذاریات، ۵۶)

مسیر =
دین

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا
تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ
الْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
(نحل، ۷۸)

دين
چیست؟

وَمَا خَلَقْتُ
الْجِنَّ وَالْإِنْسَ
إِلَّا لِيَعْبُدُونِ
(ذاریات، ۵۶)

الصِّرَاطُ
الْمُسْتَقِيمُ

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا
تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ
الْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
(نحل، ۷۸)

نظريه اندیشه مدون در اسلام

دين نفس الأمری

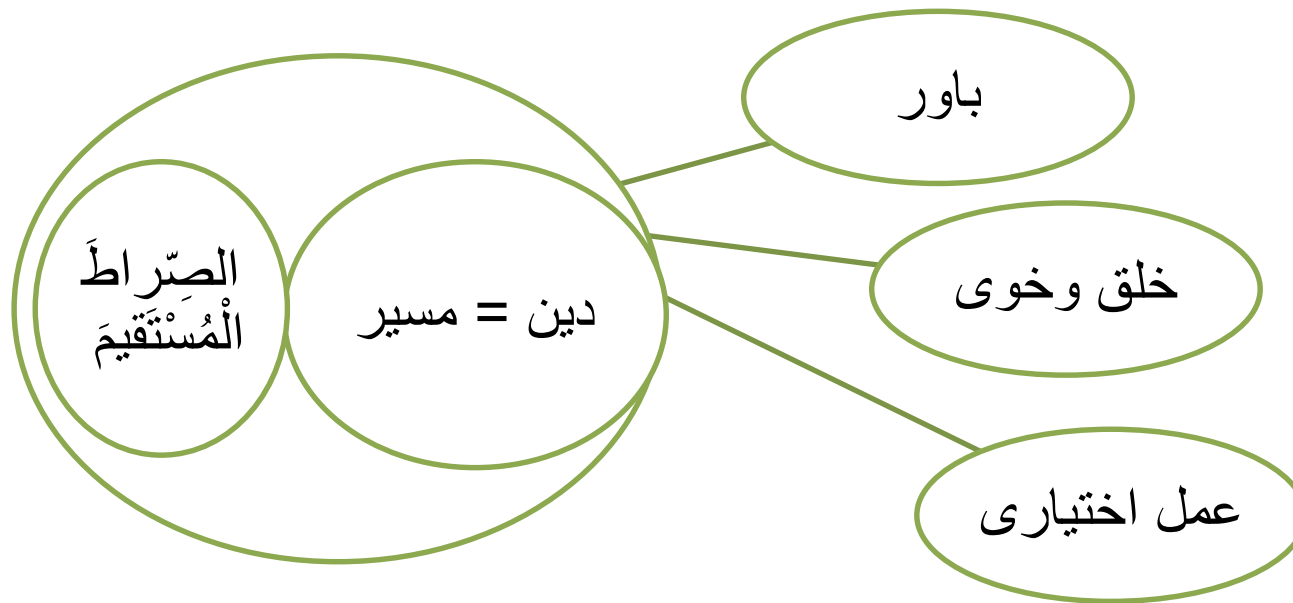
دين مرسل

مراتب دين

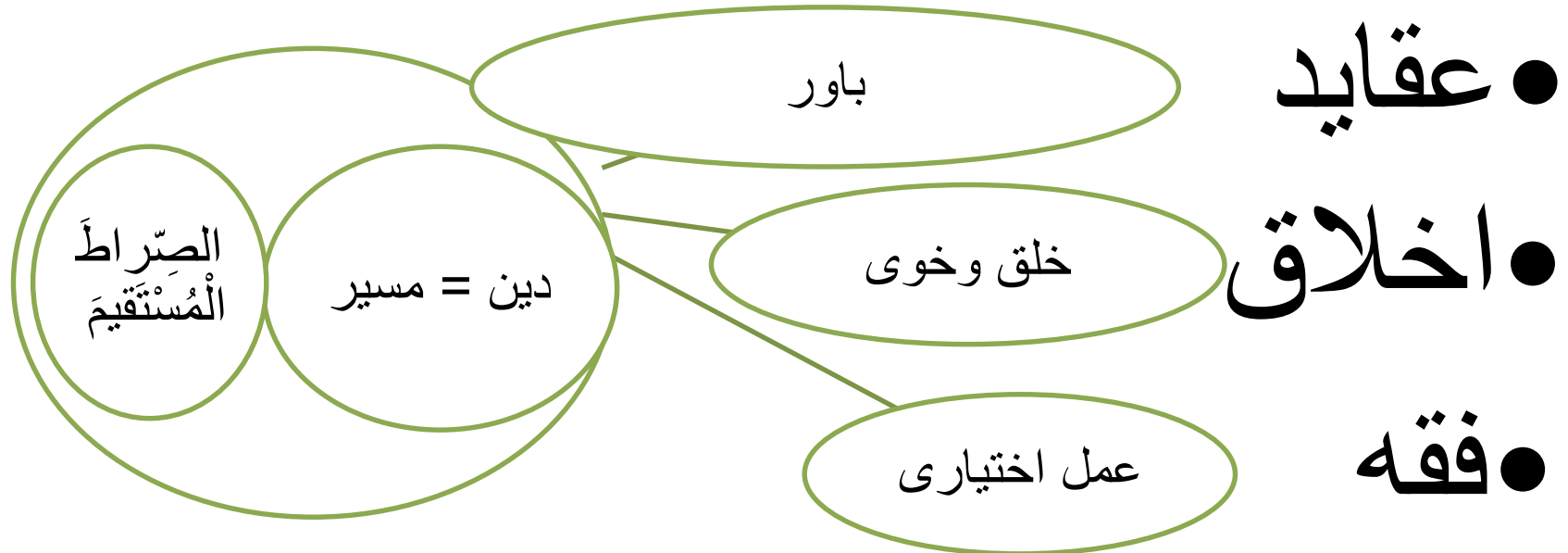
أ. ثبات و تغییر در دین

• دین مجموعه‌ای از اعتقادات،
شریعت و اخلاق است

تلقى ما از دين



تلقى ما از دين



سیستمی

رویکرد به
دین

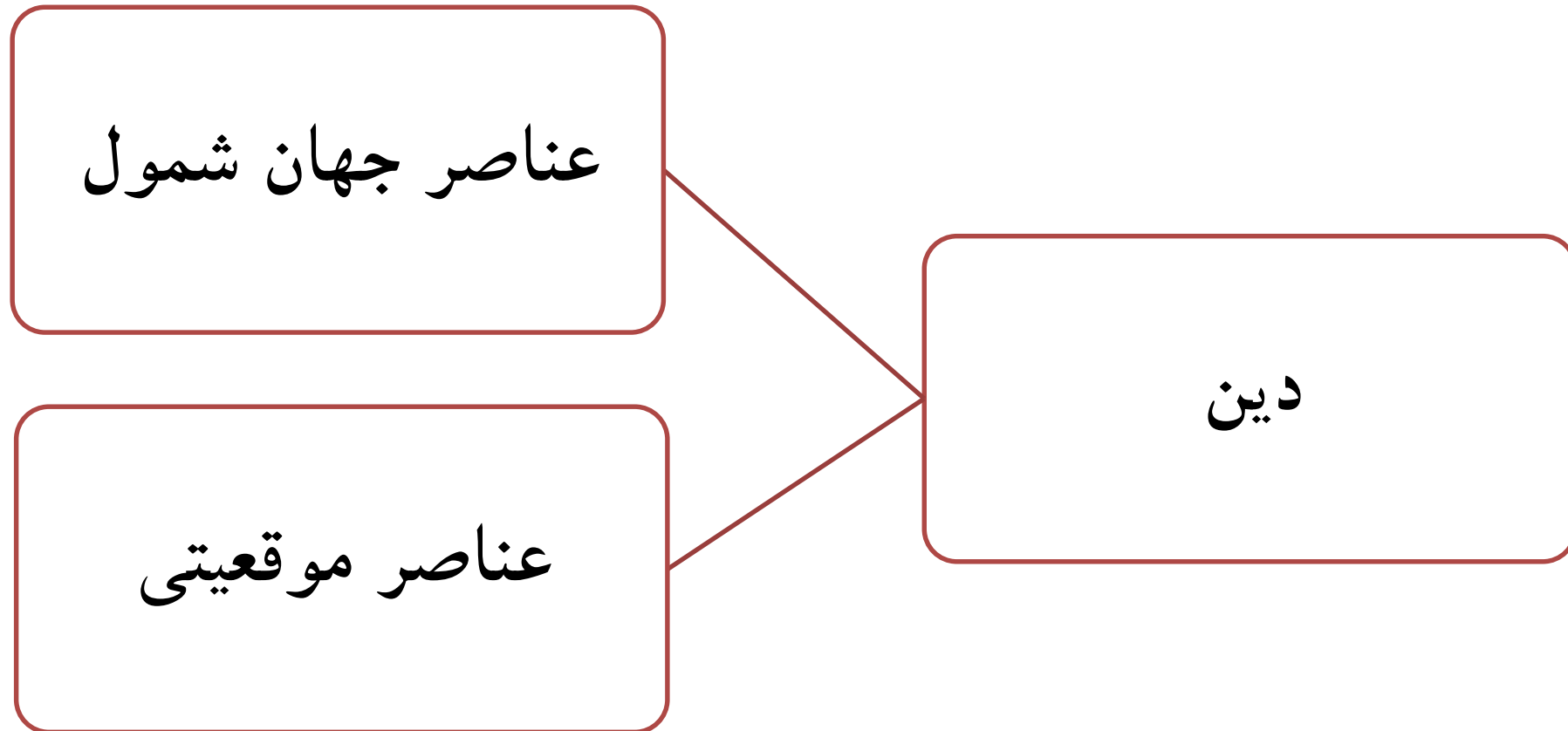
غیر سیستمی

نظريه
اندیشه
مدون در
اسلام

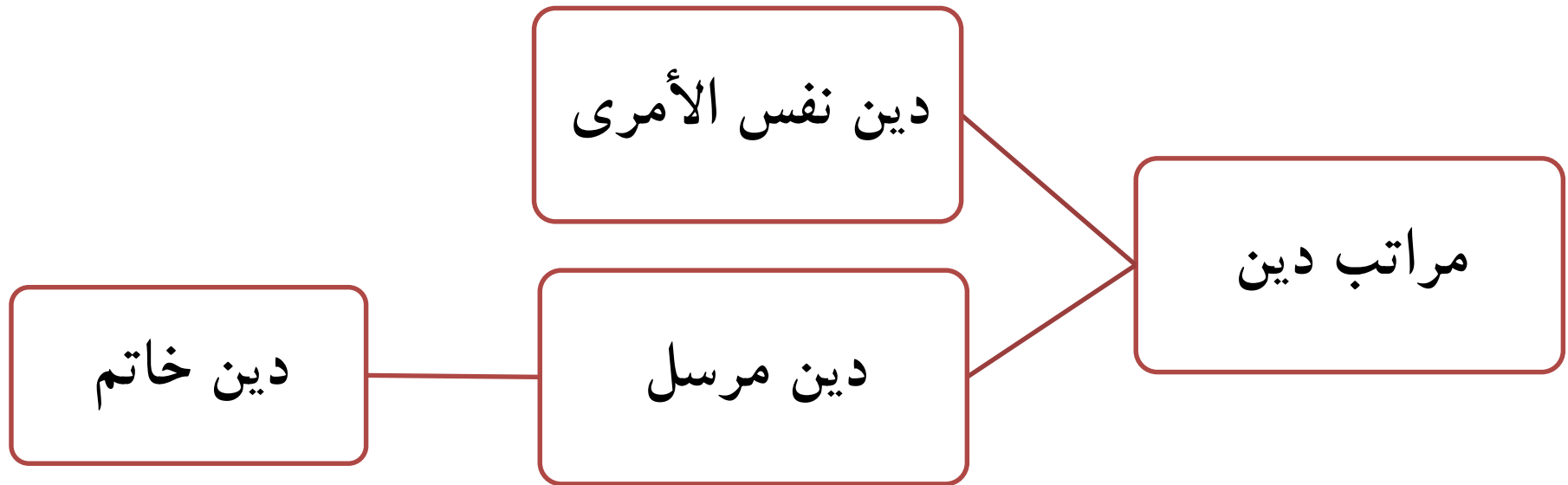
نظريه
الفكر
المنظوم
فى
الإسلام

Systematic
Thought
Theory in
Islam

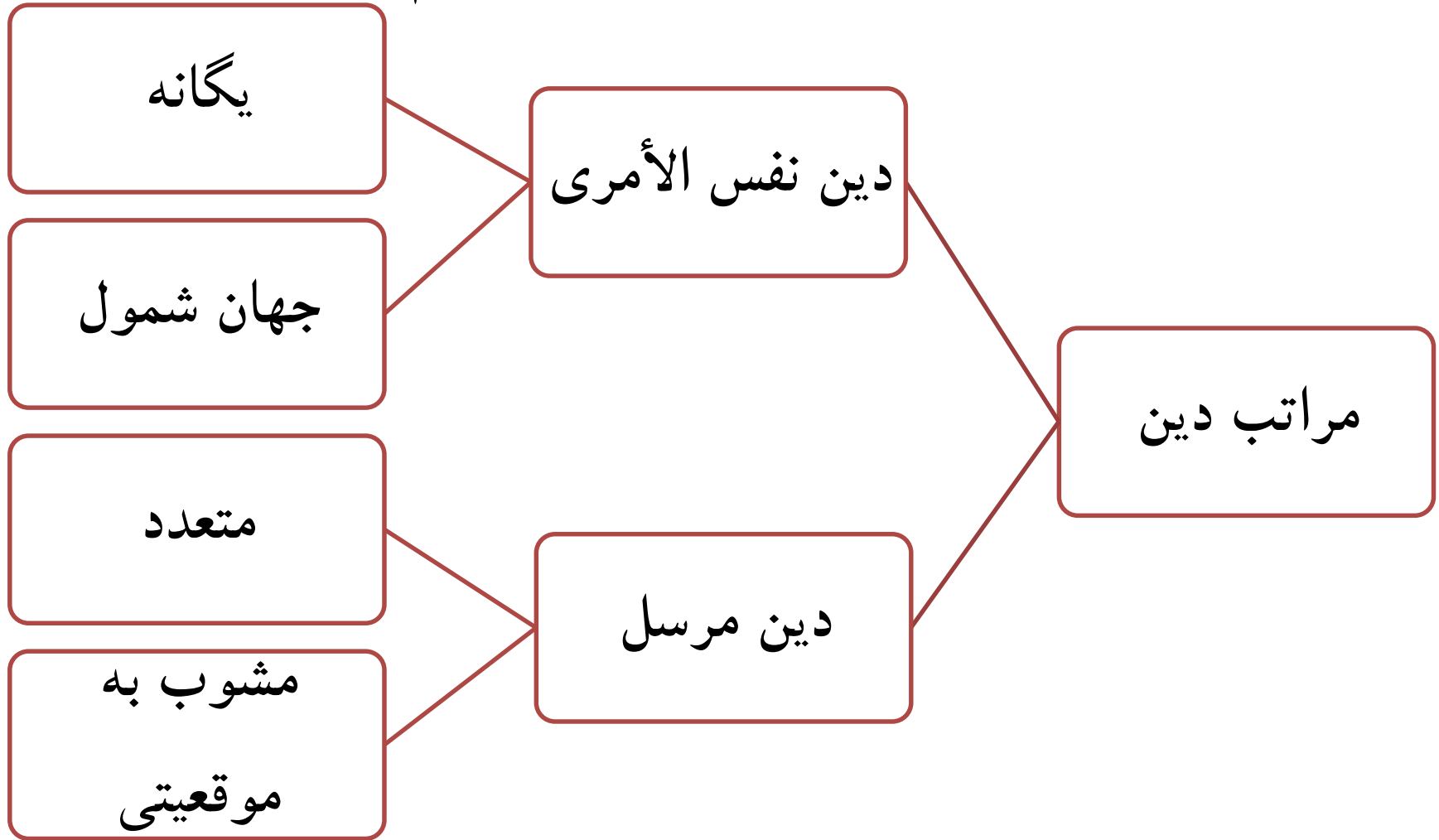
نظريه اندیشه مدون در اسلام



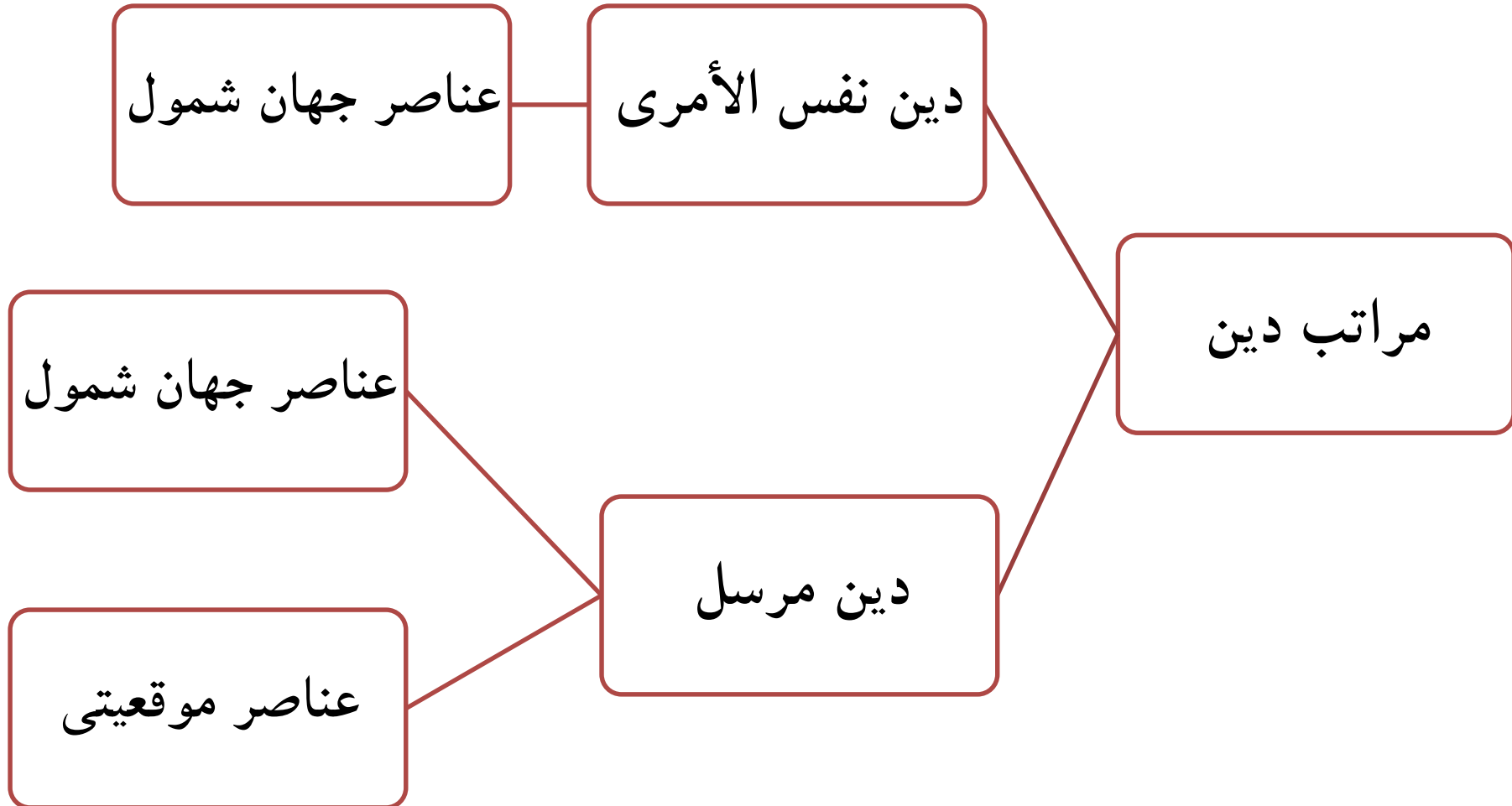
نظریه اندیشه مدون در اسلام



نظريه اندیشه مدون در اسلام



نظریه اندیشه مدون در اسلام



نظریه اندیشه مدون در اسلام

مکمل

مصحح

دین مرسل بعدی
نسبت به قبلی

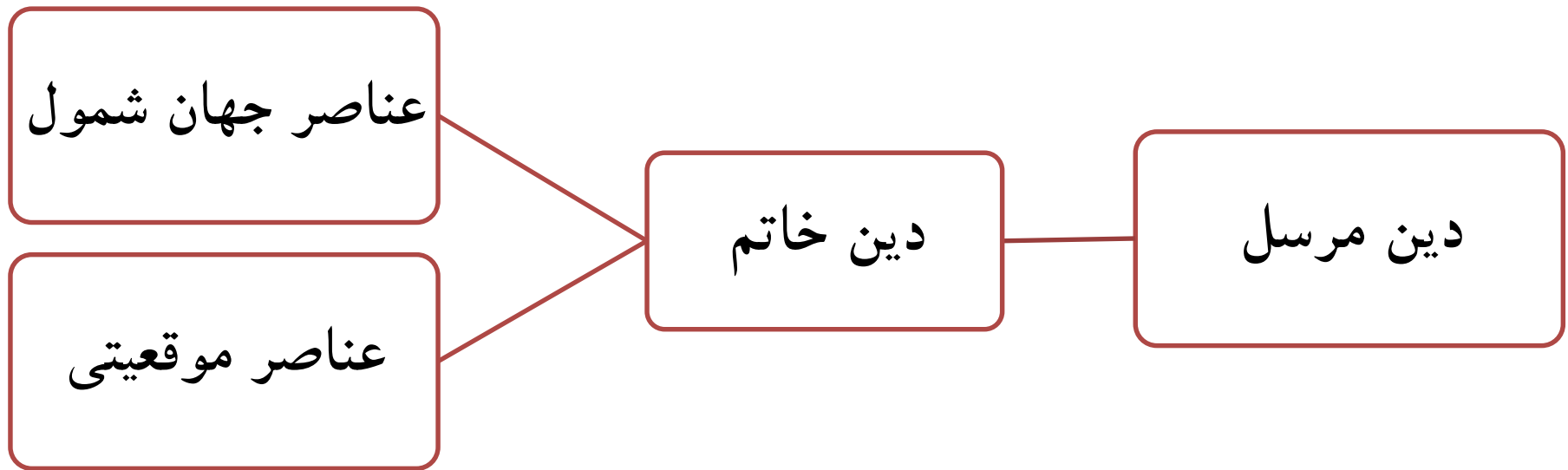
نظریه اندیشه مدون در اسلام

کاملترین دین

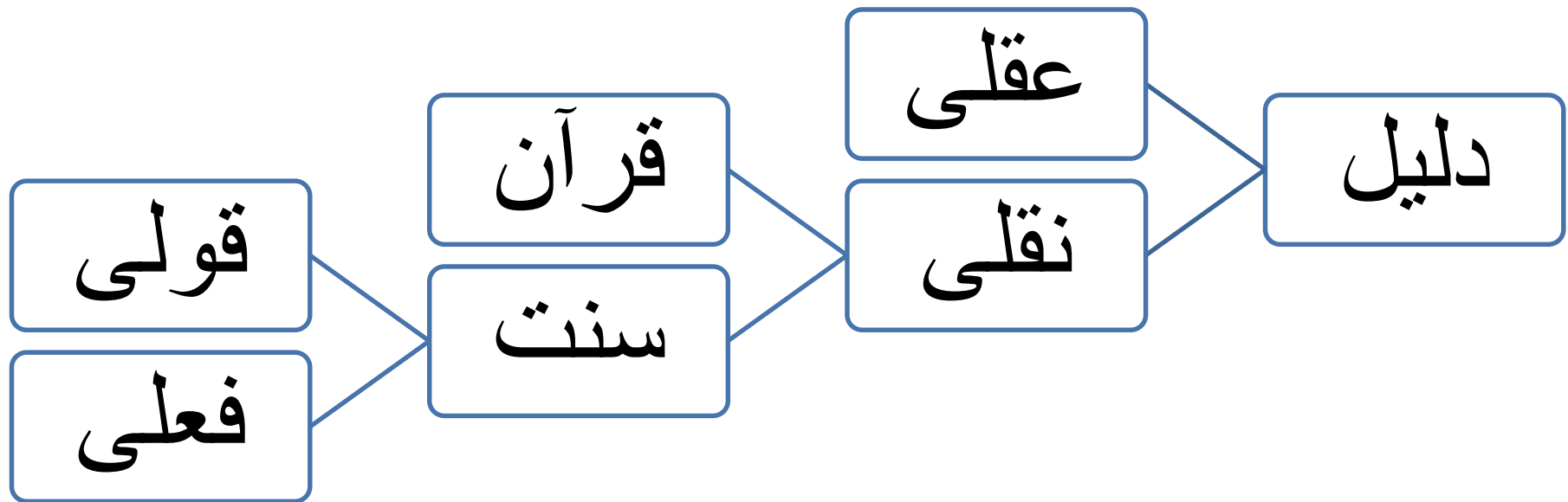
مصون از
تحریف

دین خاتم (آخرین
دین مرسل)

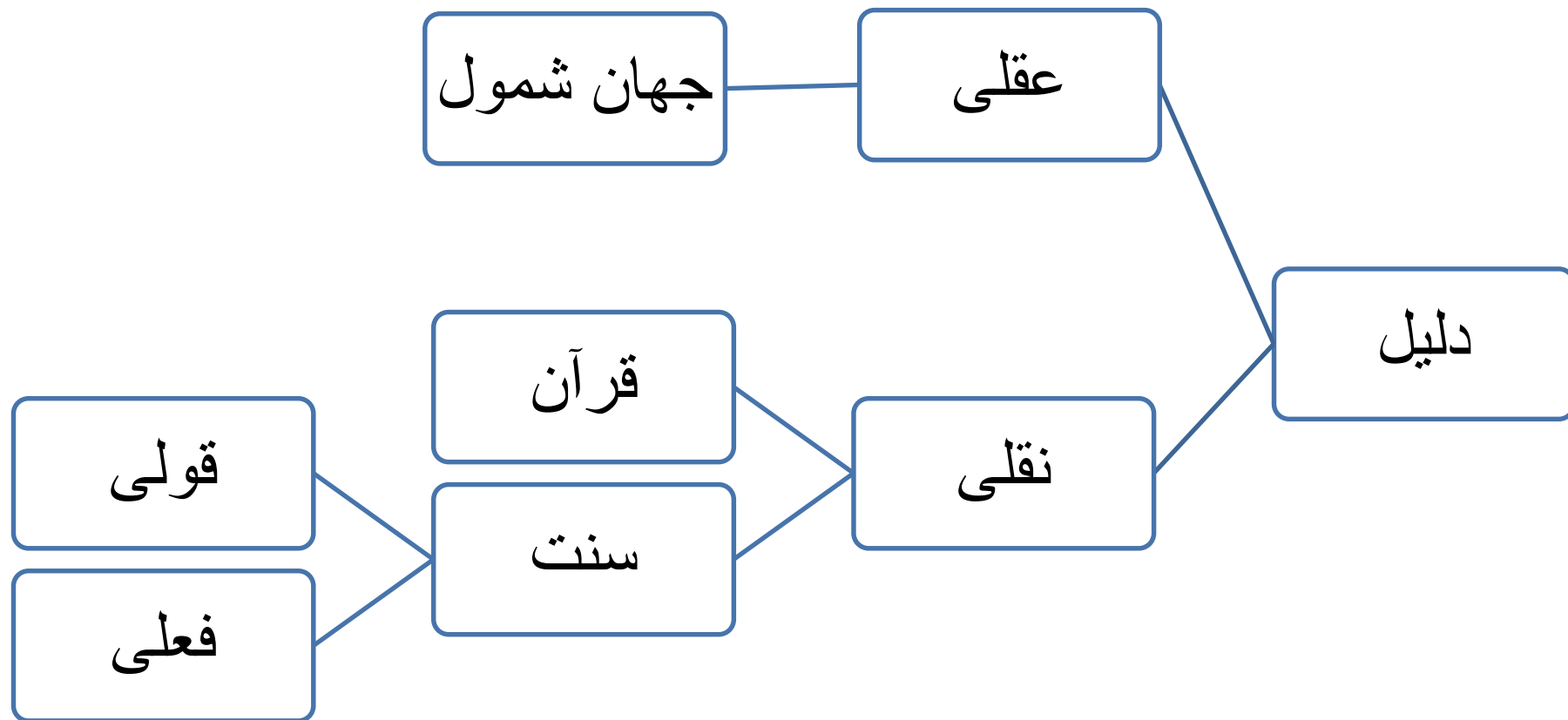
نظریه اندیشه مدون در اسلام



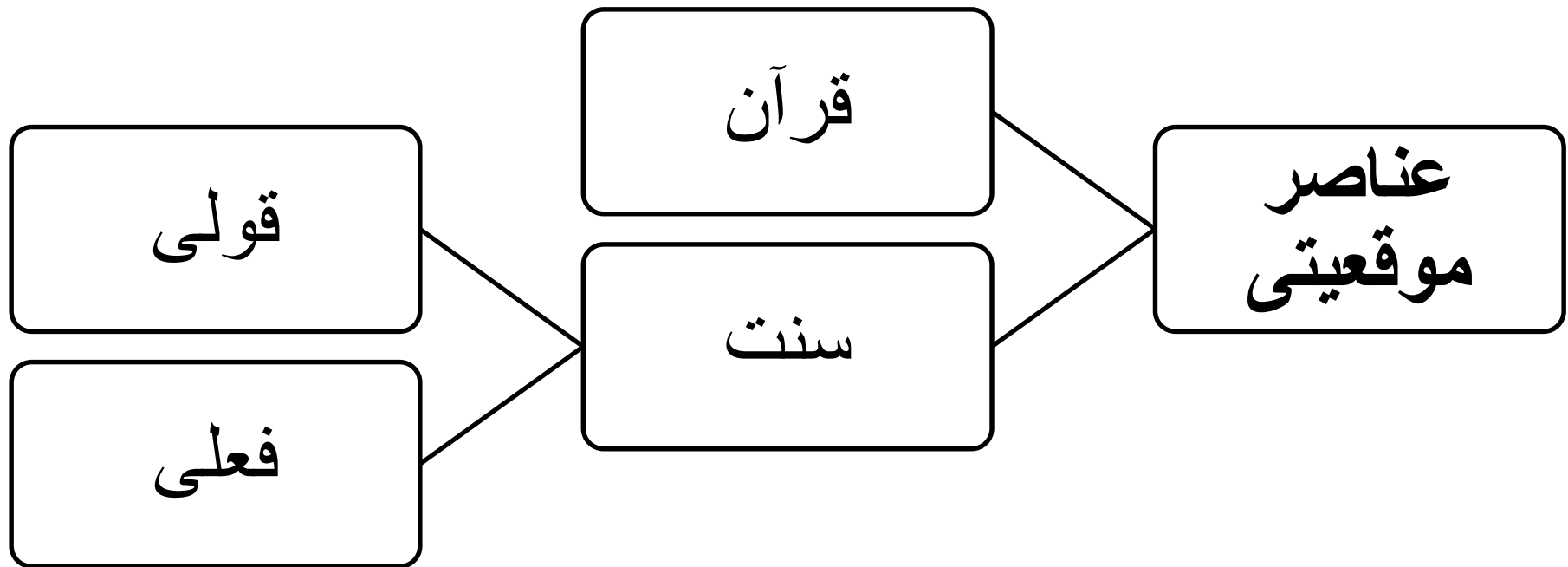
نظریه اندیشه مدون در اسلام



نظریه اندیشه مدون در اسلام



نظریه اندیشه مدون در اسلام



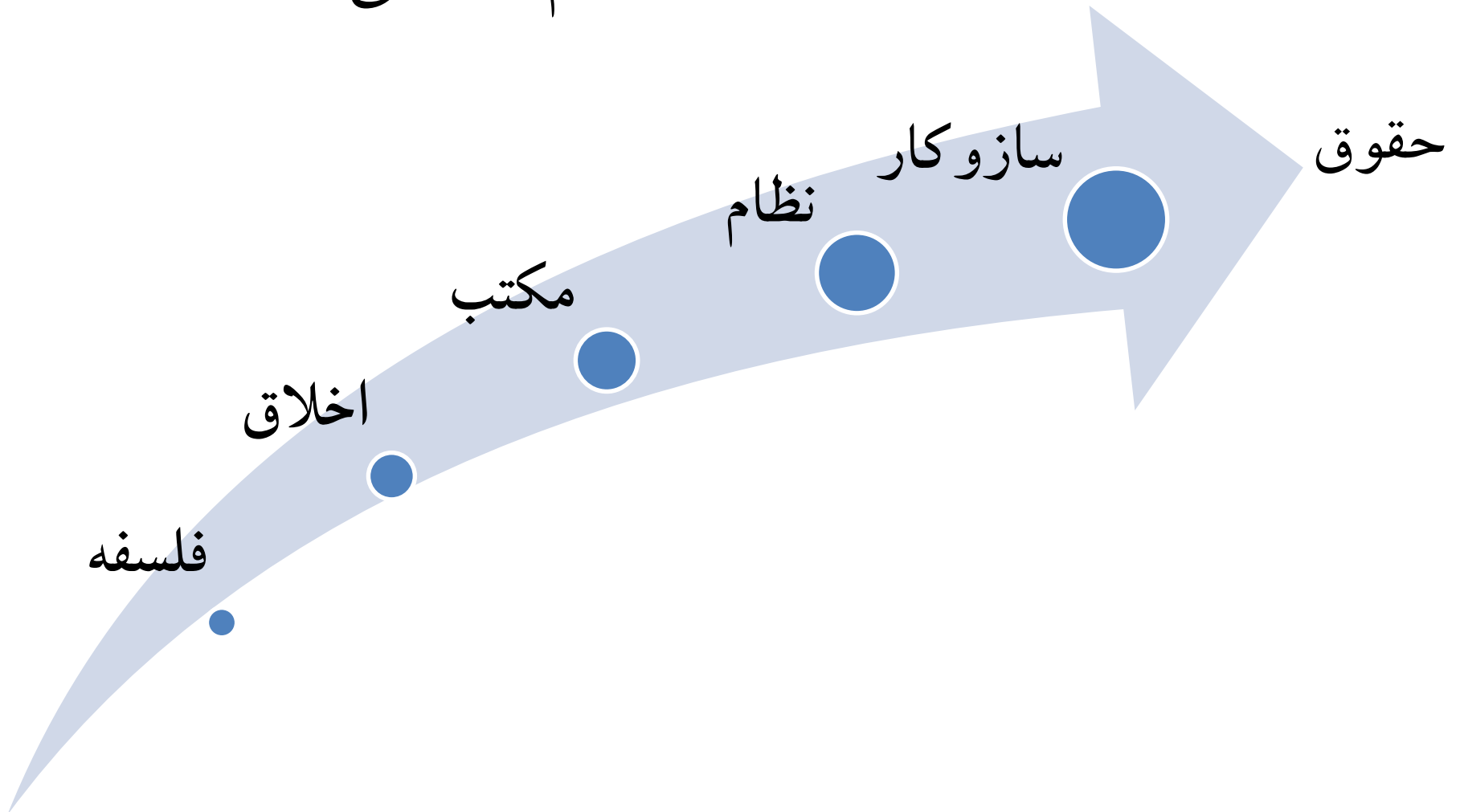
اصالت جهان شمولی عناصر دینی

نظريه اندیشه مدون در اسلام

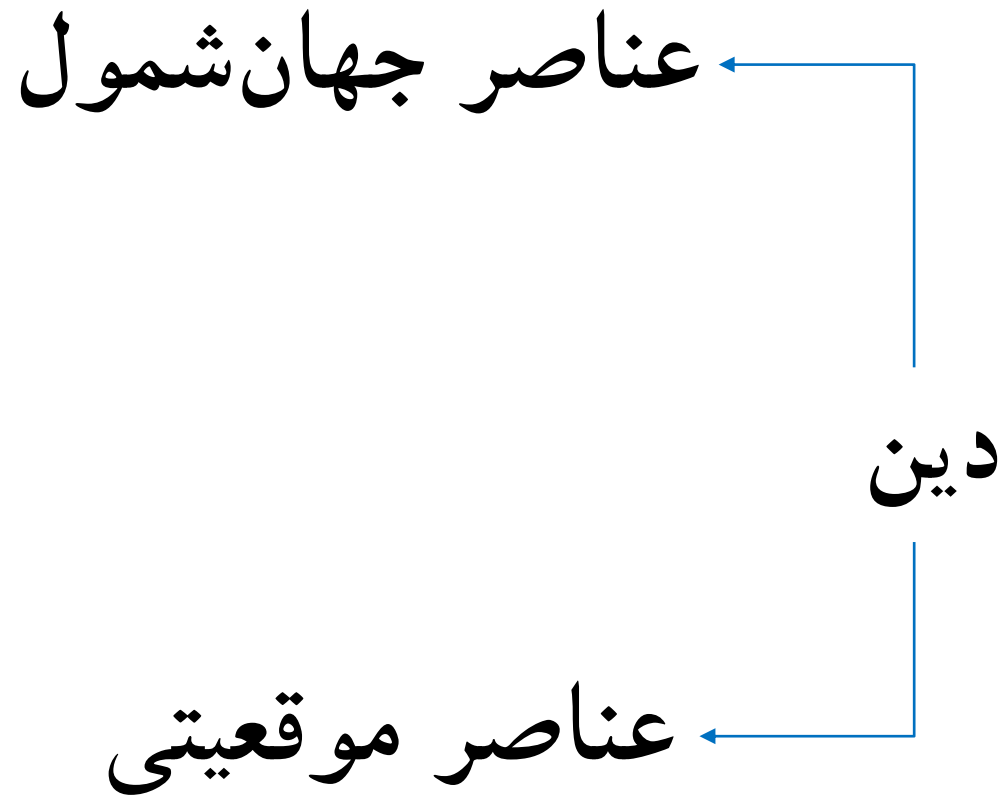
نتیجه منطقی
مقدمات
کلامی

اصالت جهان
شمولی
عناصر دینی

سیستم اسلامی



نظریہ اندیشه مدون در اسلام



نظریه اندیشه مدون در اسلام

قضایای «هست»

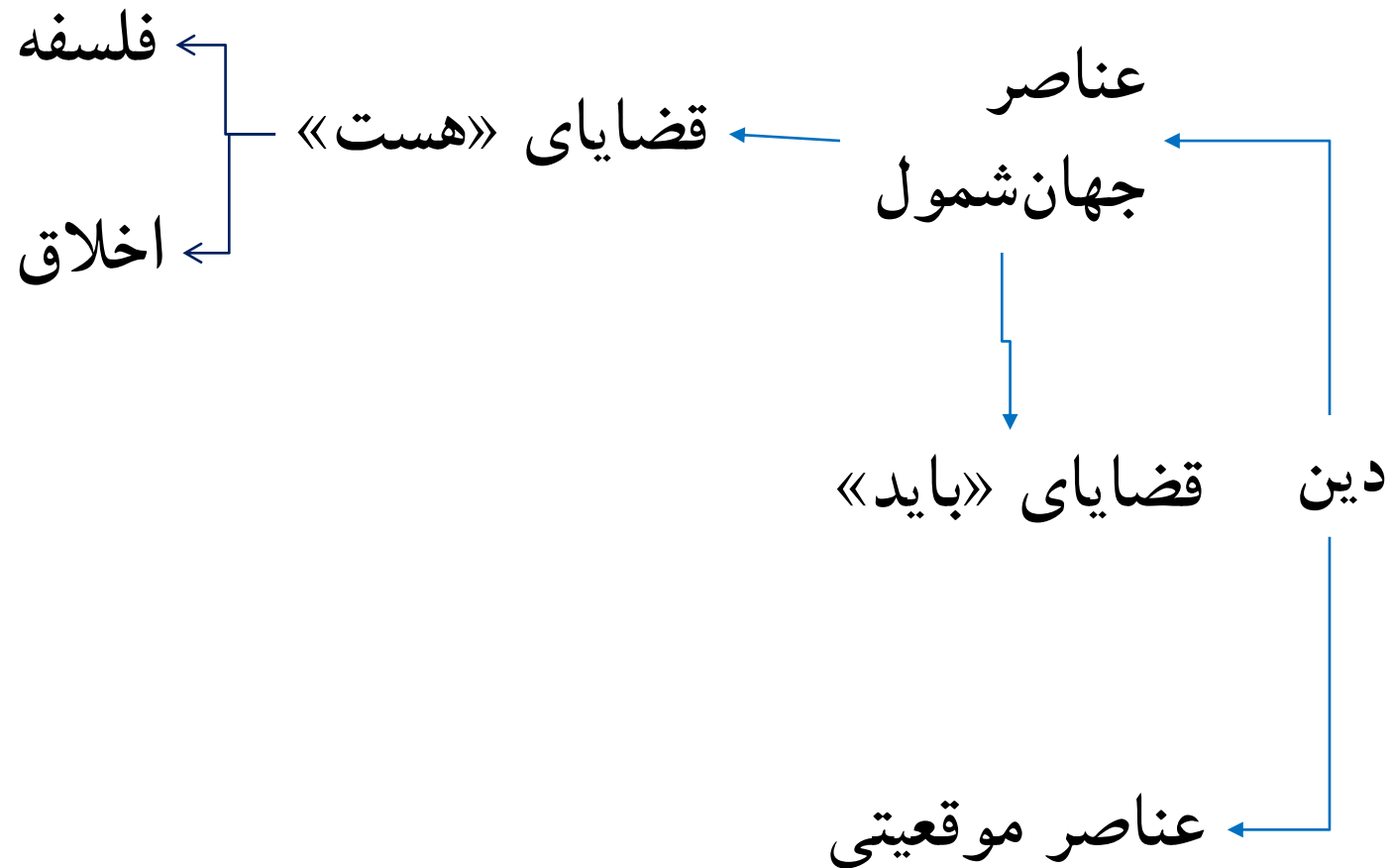
عناصر جهان شمول

قضایای «باید»

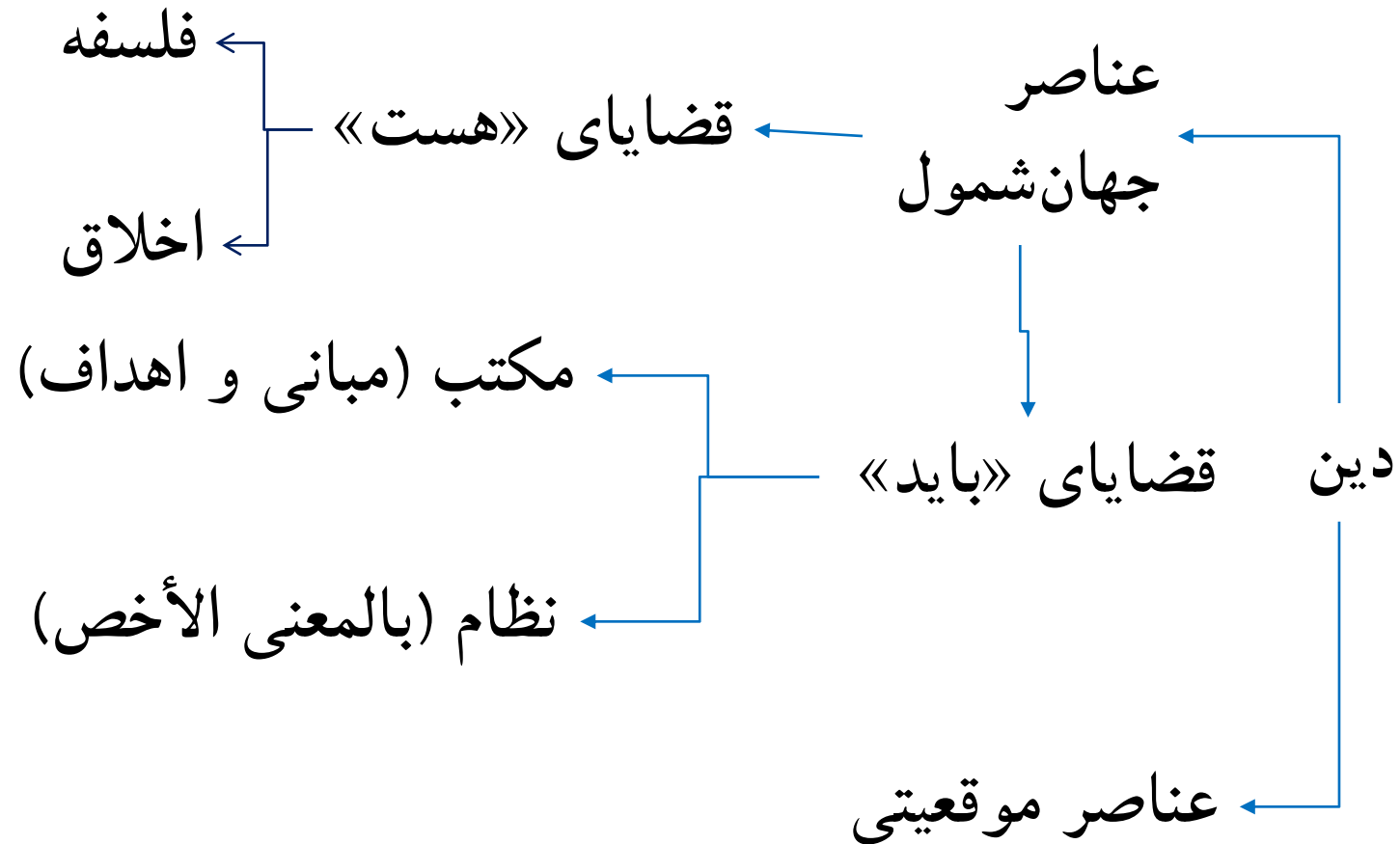
دین

عناصر موقعیتی

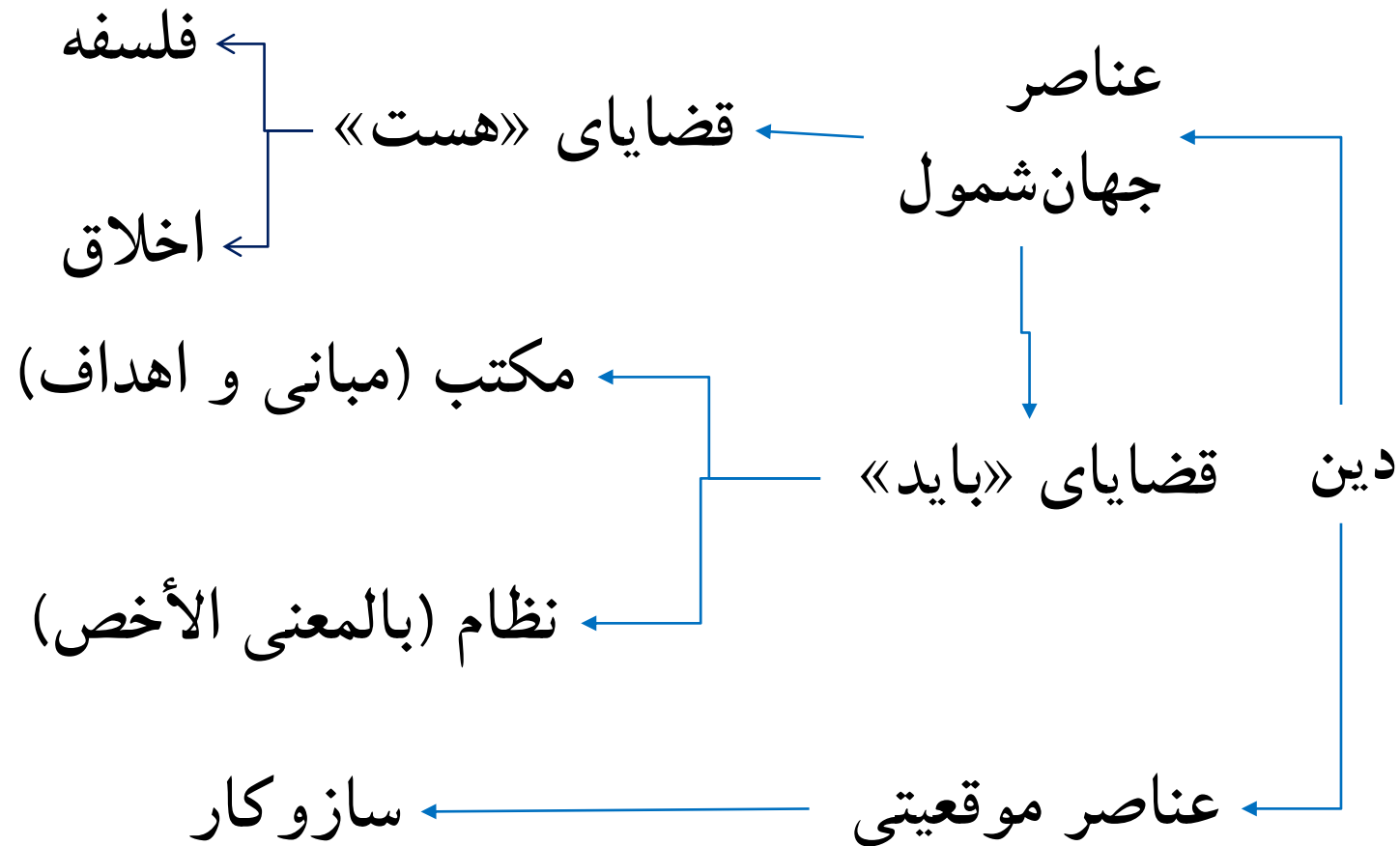
نظریه اندیشه مدون در اسلام



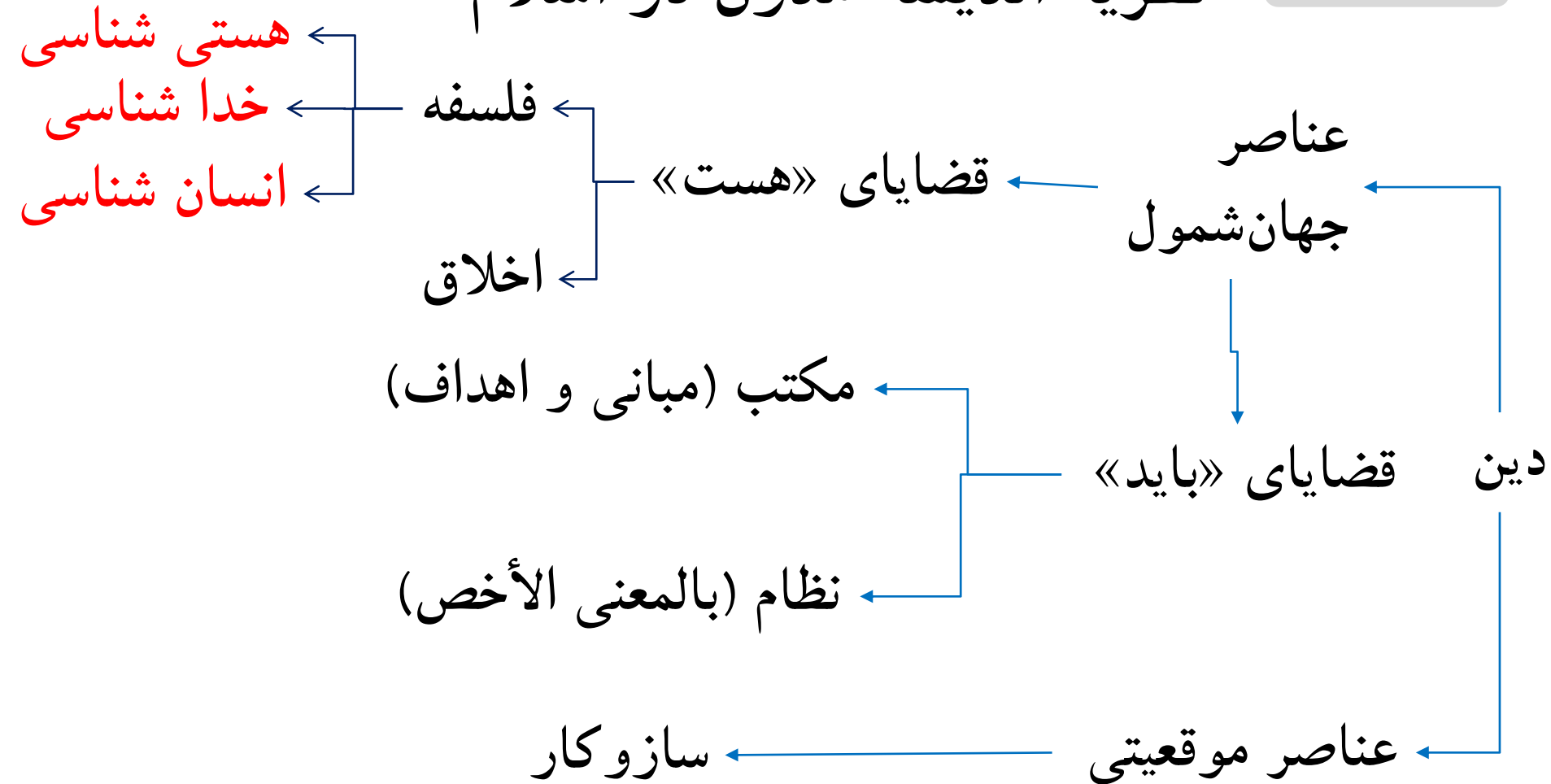
نظريه اندیشه مدون در اسلام



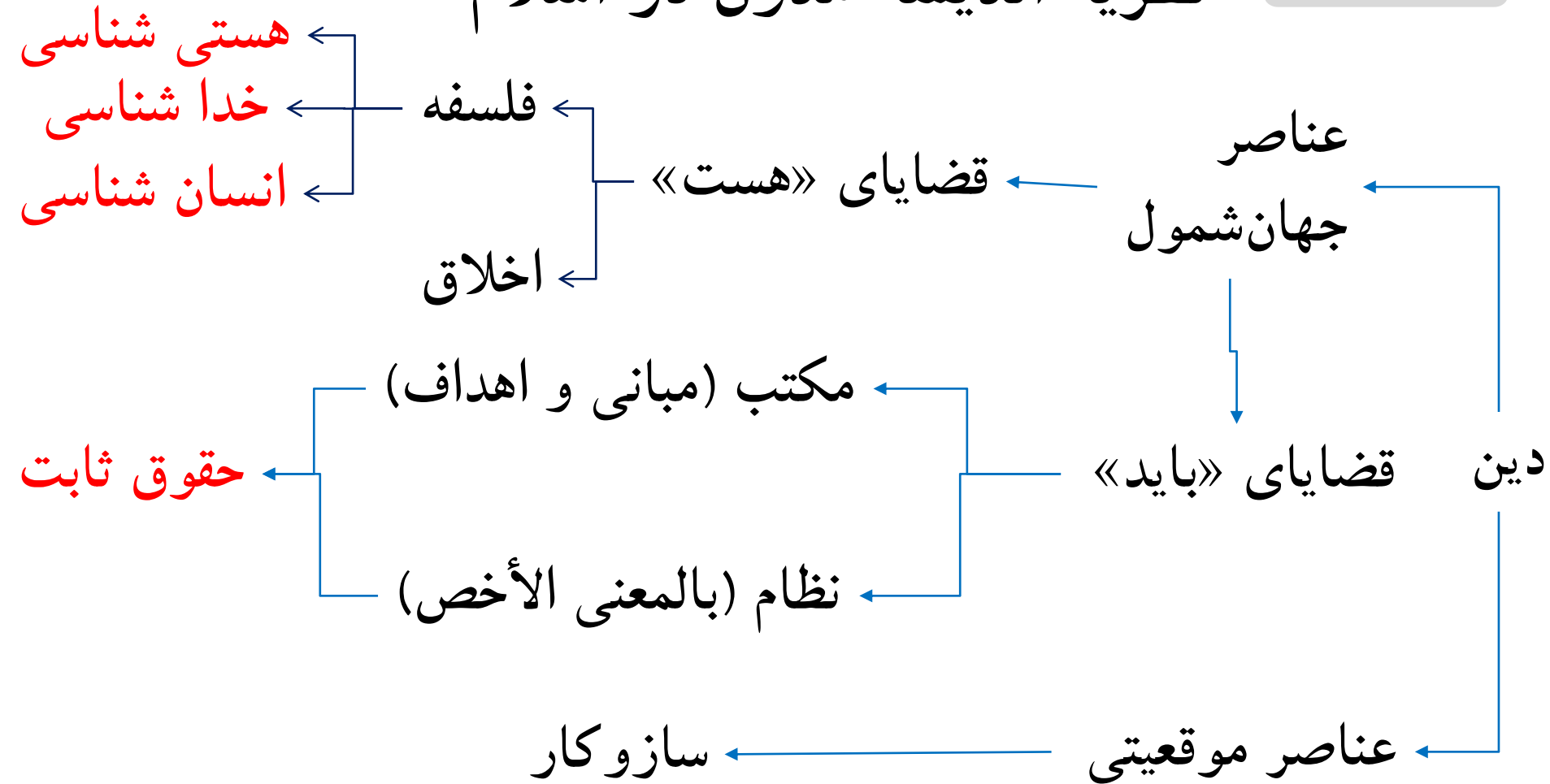
نظریه اندیشه مدون در اسلام



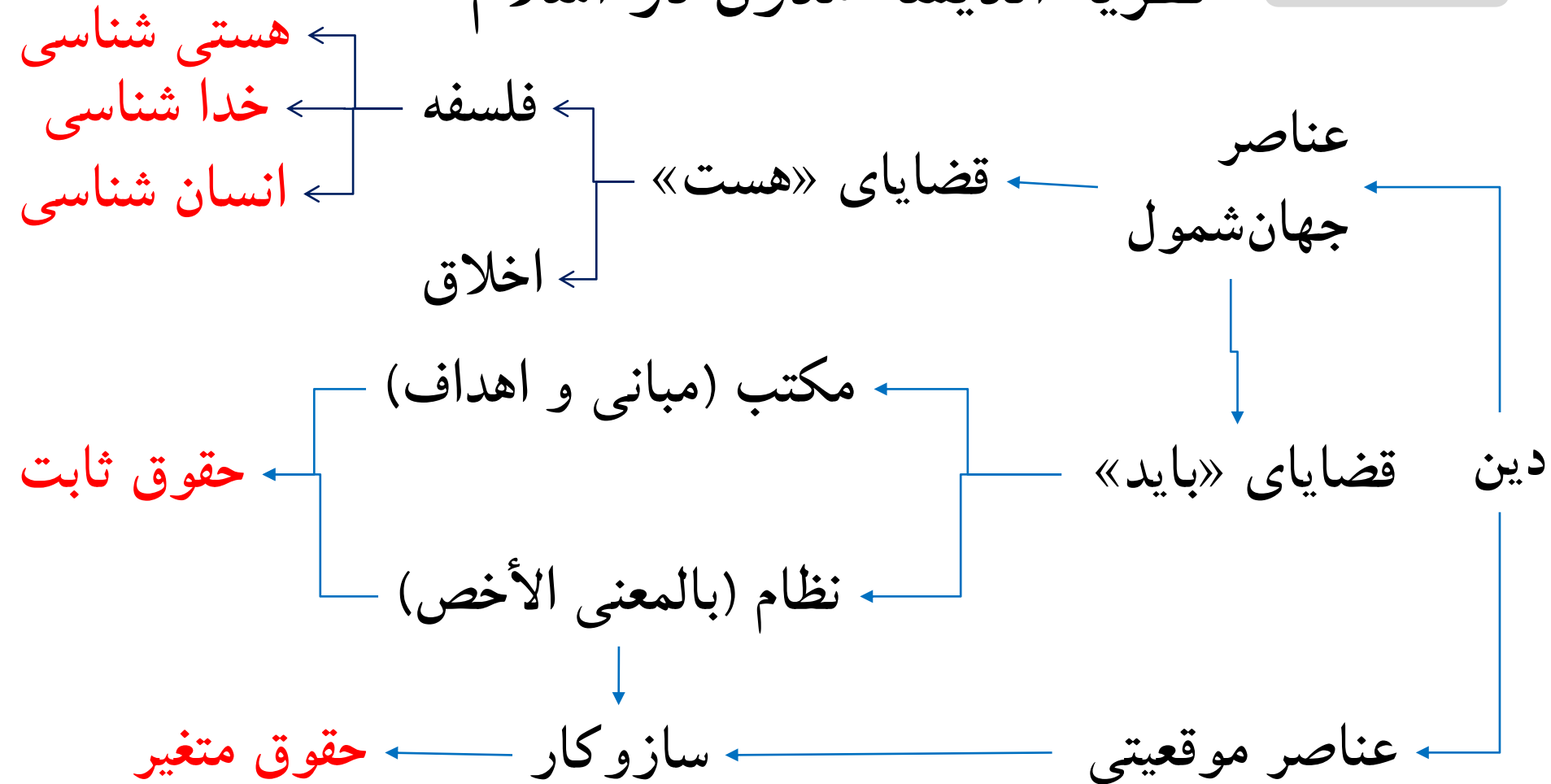
نظریه اندیشه مدون در اسلام



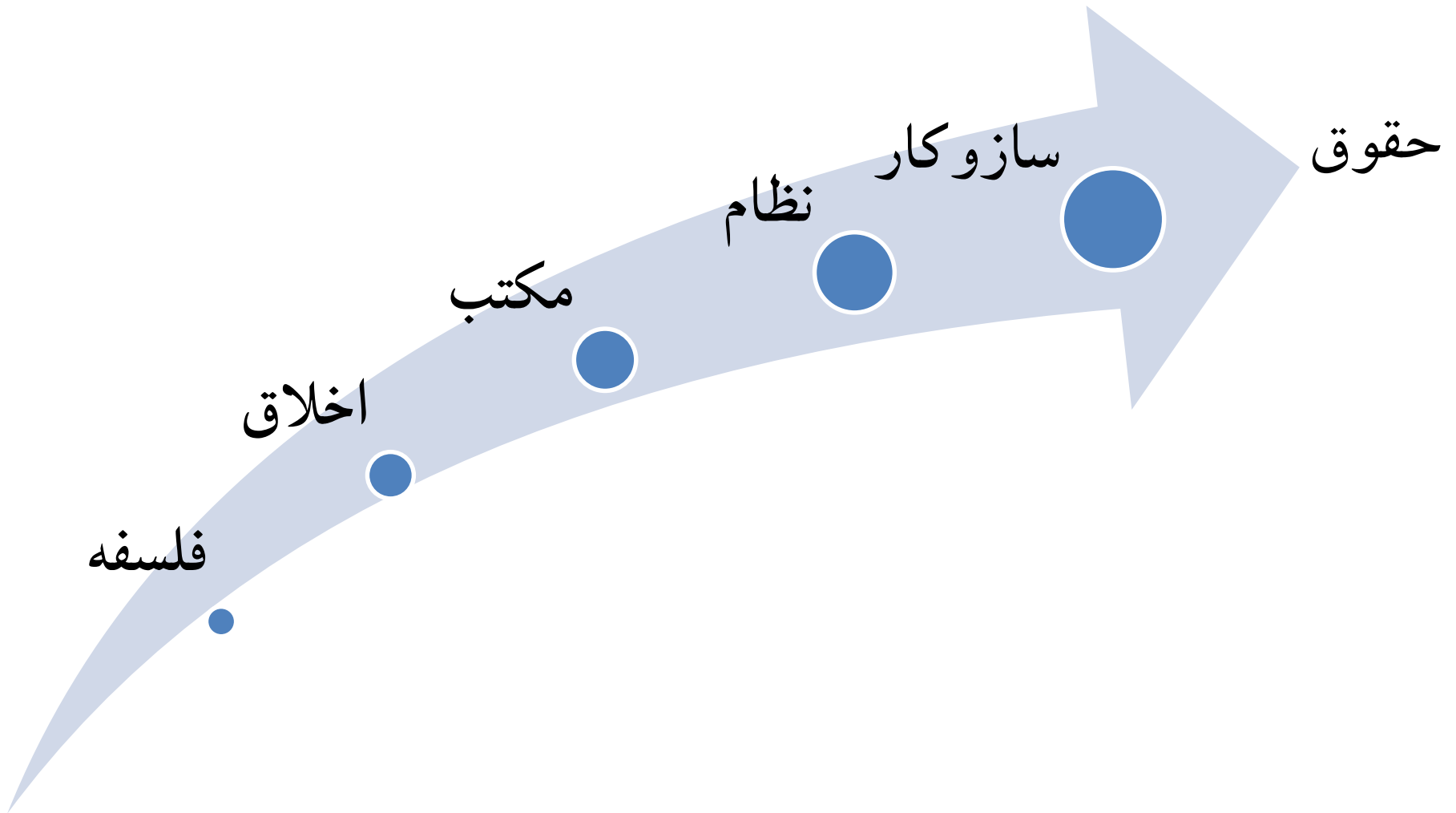
نظریه اندیشه مدون در اسلام



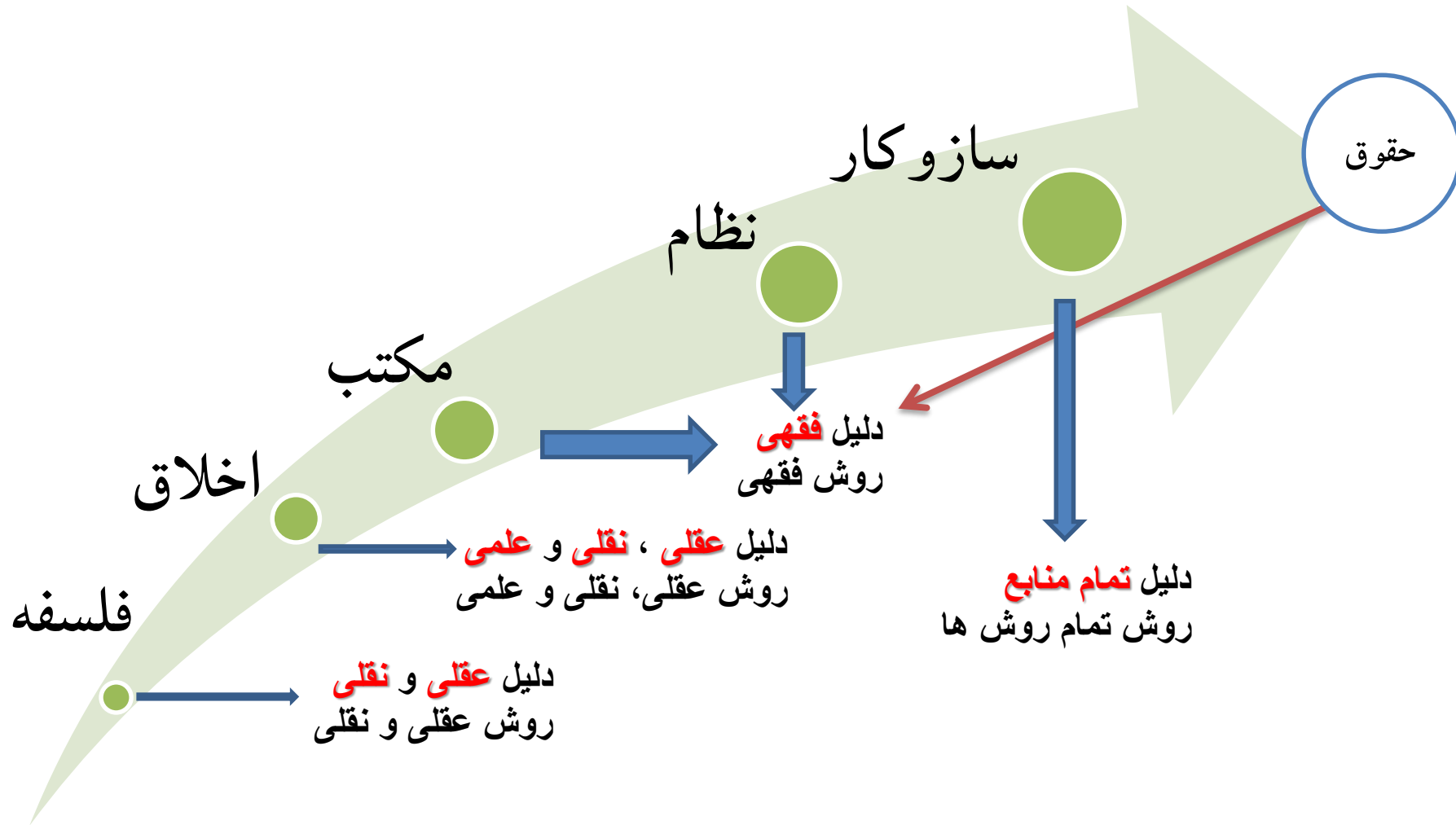
نظریه اندیشه مدون در اسلام



سیستم اسلامی در عالم ثبوت



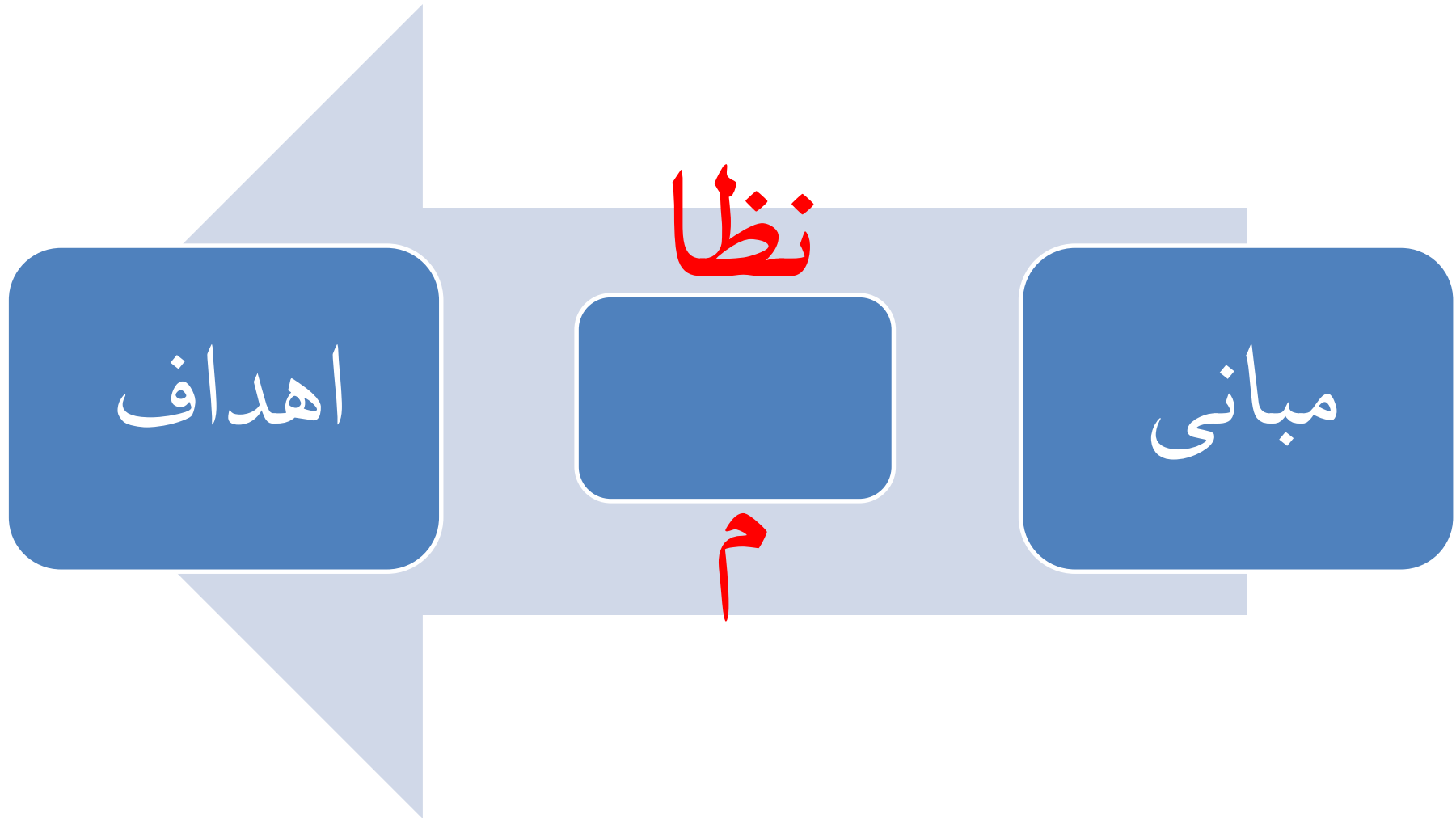
سیستم اسلامی در عالم اثبات



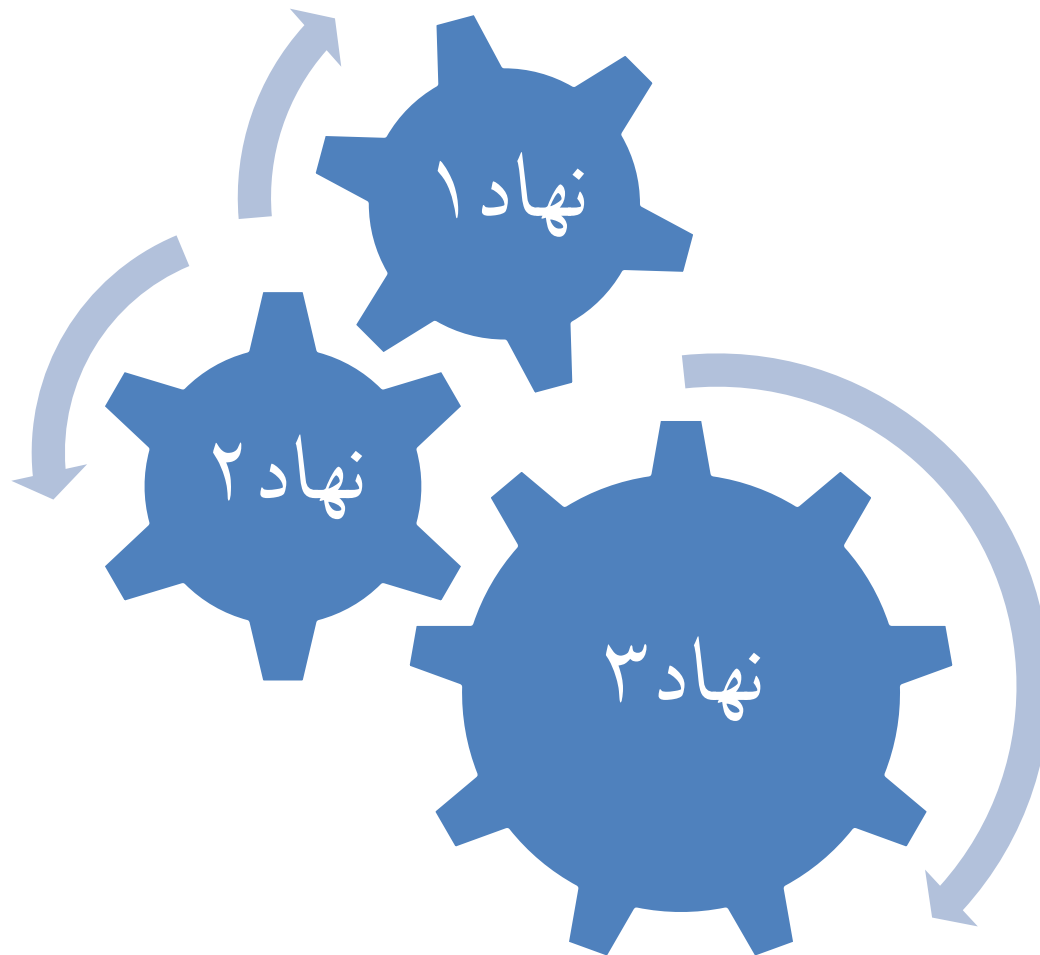


اهداف

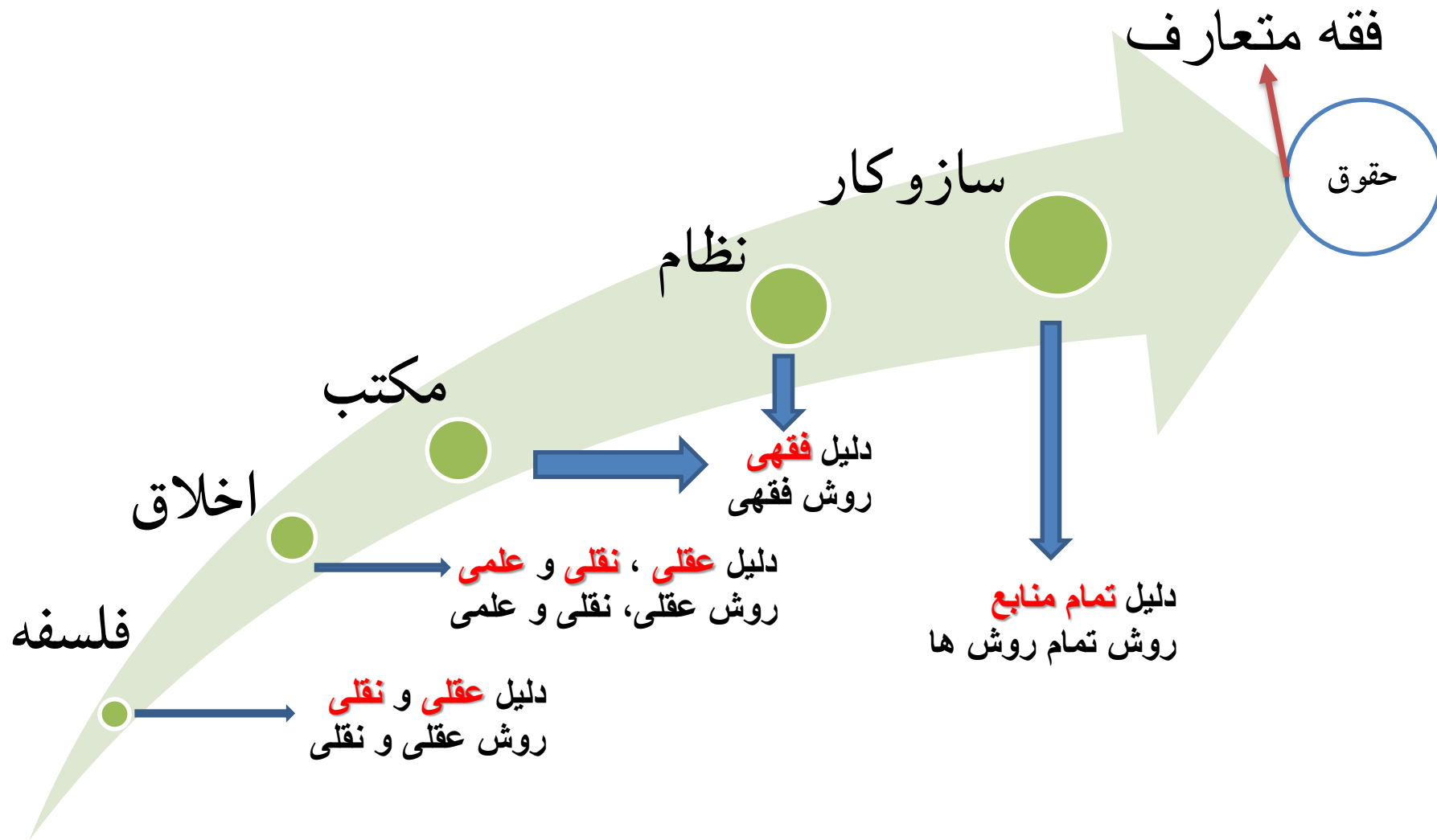
مبانی

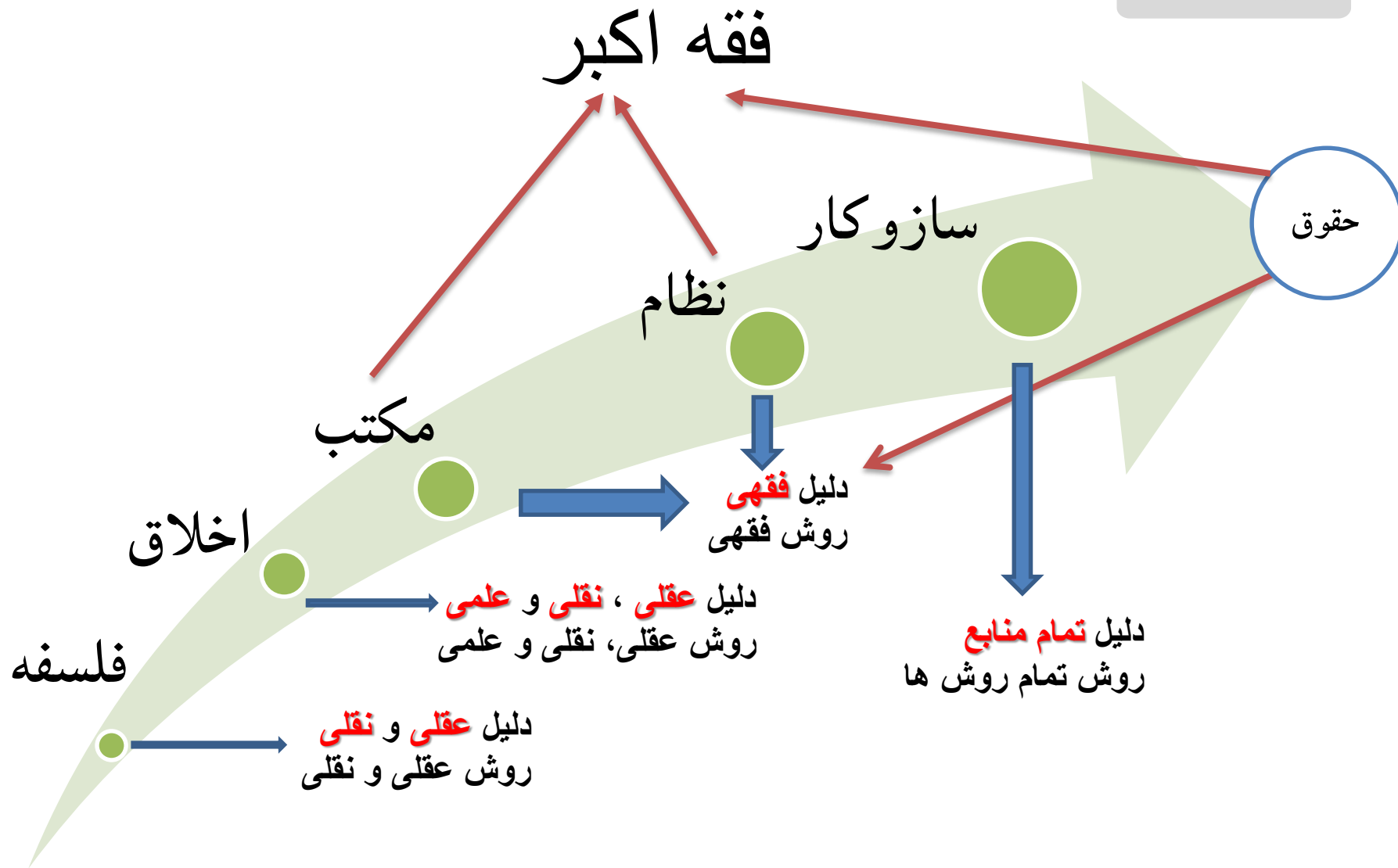


نظام (دستگاه نهاد های جهان شمول)



- الگوی رفتاری تثبیت شده‌ای که انتظار می‌رود توسط یک شخص حقیقی یا حقوقی تحقق یابد.







امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

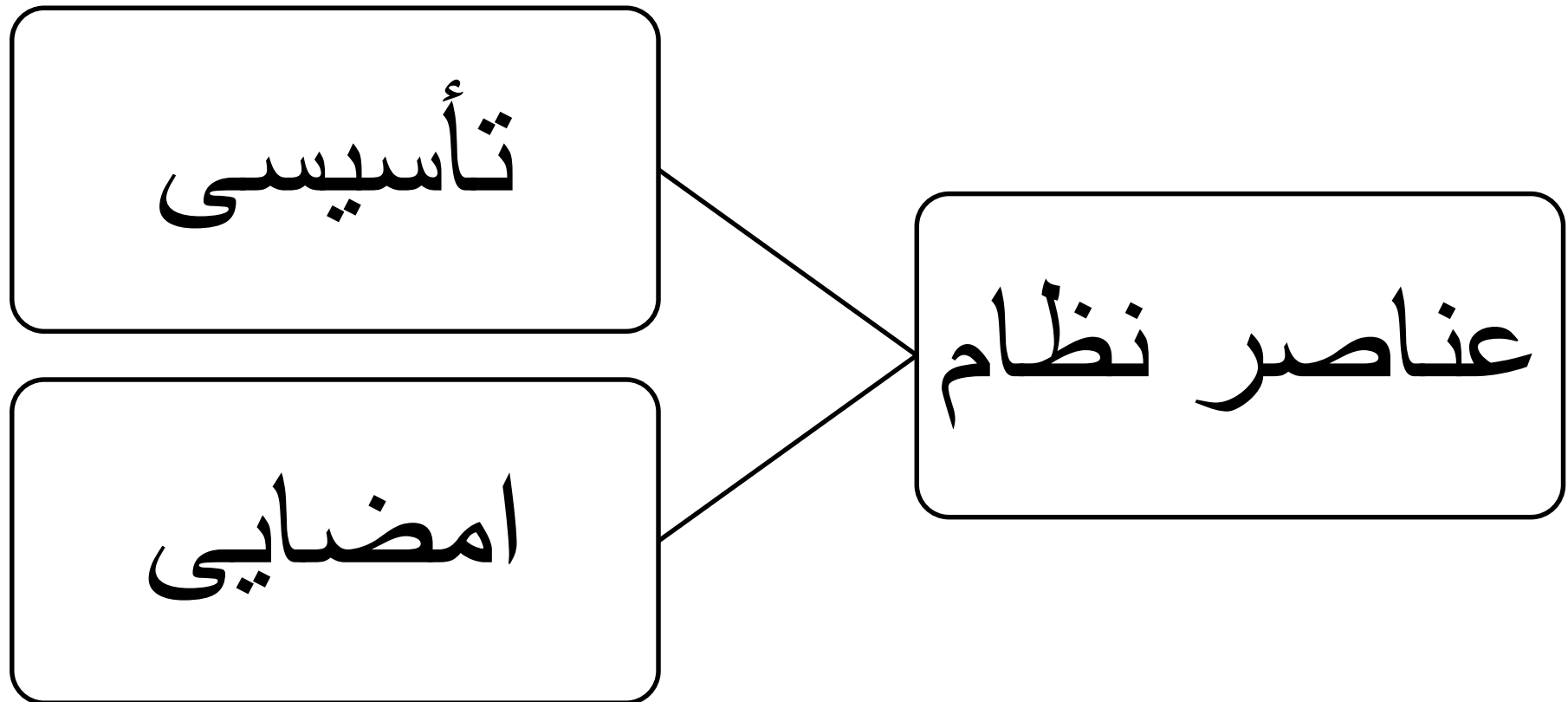
امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

نکته‌ای که اینجا من باید تأکید کنم که باز به بحث ما کمک می‌کند، این است که عناصری که در یک نظام وجود دارند، مثلاً در نظام اقتصادی اسلام، این عناصر ضرورتاً تأسیسی نیستند؛

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

یعنی اینکه ما می‌گوییم این عناصر، عناصر نظام اقتصادی اسلام هستند، معنایش این نیست که اسلام این‌ها را ابداع کرده ضرورتاً. اختراع کرده ضرورتاً. این معنایش این نیست؛ بلکه این‌ها می‌توانند تأسیسی باشند، می‌توانند امضایی باشند.

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام



امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

در واقع عناصر نظام به دو دسته قابل تقسیم‌اند از این جهت. از باب نوع پیدایش این عناصر. یک دسته آن‌ها تأسیسی‌اند. یعنی اسلام در واقع این‌ها را ایجاد می‌کند. قبل از اسلام نبوده یعنی به این شکلی که اسلام خواسته نبوده. یک سری آن‌ها امضایی است که

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

در حوزه اقتصاد خیلی‌شان امضایی است. یعنی وجود داشته نه اینکه نبوده نهایتاً اسلام برخی از این‌ها را با یک شکل خاصی یا با یک محدودیت خاصی امضا کرده.

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

- نکته‌ای که اینجا وجود دارد و خیلی مهم است که در برخی از آثار مطرح می‌شود و یک نوع مغالطه است، این است که این جور القا می‌شود که **فقط عناصر تأسیسی عناصر دینی هستند** اما عناصر امضایی دیگر عناصر دینی نیستند.

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

حالا این را در آثار به خصوص برخی از روشنفکران معاصر، این بحث‌ها را دیده‌اند که مثلاً آن‌ها هر چیزی را که جنبه امضایی دارد می‌گویند این‌ها امور عرفی‌اند. دیگر این‌ها امور شرعی نیستند

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

در حالی که از نظر معیارهایی که ما در علم اصول و در
مباحث مربوط به آن داریم **امضاهاى شارع مثل**
تأسیسات شارع امور شرعی اند.

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

هیچ فرقی نمی‌کند. مثلاً عقد بیع وجود دارد و شارع آن را امضا می‌کند. احلّ الله البيع. بیع می‌شود یک امر شرعی و مثلاً فرض کنید نماز وجود ندارد و شارع می‌آید آن را ایجاد می‌کند. هیچ فرقی ندارد

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

یا مثلاً شفعه که گفته می‌شود این حق اصلاً عرفی نبوده
و شارع حق شفعه را ایجاد کرده در بحث‌های مثلاً
مرتبط به مباحث معاملات و ملکی.

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

حق شفعه برخی این گونه ادعا کردند که اصلاً در میان عقلاً نبوده و شارع آمده این را ایجاد کرده. حالا حق شفعه که در حوزه مباحث اقتصادی مطرح است.

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

وقتی یک شریکی می‌آید سهم خودش را می‌فروشد،
شریک دیگر این حق را دارد که بیاید به همان قیمتی
که آن فروخته شده این سهم را ببرد. خب این تأسیسی
است فرض کنید.

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

احلّ الله البيع امضایی است ولی فرقی نمی‌کند همان‌طور
که شفعه یک امر شرعی است بیع هم یک امر شرعی
است. تأسیسی بودن یا امضایی بودن فقط در مصدر و
مبنای شریعت با هم متفاوت‌اند نه در اصل شریعت.

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

هر دو شرعی‌اند و به یک اندازه هم شرعی هستند نه اینکه یکی شرعی‌تر باشد. چون تأسیس شارع است. یکی دیگر به آن اندازه شرعی نیست چون شارع آن را امضا کرده. این طور نیست.

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

امضائات شارع مثل تأسیسات شارع امر شرعی است و به همین دلیل در مباحث فقهی هم فقها اصلاً از این جهت فرقی قائل نیستند که این مسئله تأسیسی است یا امضایی.

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

بله وقتی چیزی امضایی است دنبال این می‌گردند که مثلاً
 ببینند در عرف چه چیزی بوده که شارع آن را امضا
 کرده. برای تعیین محدوده امضای شارع؛ ولی وقتی به
 نتیجه رسیدند همان قدر که یک امر امضایی مثل بیع
 شرعی است همان قدر یک امر تأسیسی

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

مثلاً مثل شفعه بنا بر این که تأسیسی باشد هم شرعی است.